

تحلیل سیاسی هفته (۱۳) ابعاد و پیامدهای تحولات سیاسی تونس

نام دفتر: مطالعات سیاسی

شماره مسلسل: ۲۶۰۱۰۶۱۷

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۱۱/۳

تحولات سیاسی در تونس که در پی آن رئیس‌جمهور سابق این کشور، زین‌العابدین بن‌علی را ناچار به فرار از این کشور کرد، در نوع خود تحول بسیار مهمی در حوزه بین‌المللی و به‌خصوص در جهان عرب محسوب می‌شود. زین‌العابدین بن‌علی از سال ۱۹۸۷ و پس از کودتا علیه حبیب بورقیبه رئیس‌جمهور وقت این کشور قدرت را به‌دست گرفت. وی پس از به قدرت رسیدن در تونس سیاست‌های خود را در چند حوزه تقسیم کرد و با حرکت در مسیر تعریف شده که عبارت بود از نزدیکی به غرب، مبارزه با اسلام‌گرایی و گسترش سکولاریسم در کشور و همچنین سرکوب احزاب سیاسی مخالف و در نهایت نزدیکی به رژیم اسرائیل خود را در قدرت حفظ کند. سیاست‌های بن‌علی در حوزه اقتصادی نیز بر توسعه زیربنای اقتصادی با استفاده از ظرفیت‌های توریستی این کشور بود. در این مسیر تونس به‌عنوان یکی از مهمترین کشورهای توریستی در شمال آفریقا میزبان صدها هزار توریست غربی و به‌خصوص اروپایی بود. در این راستا فرانسوی‌ها بیشترین همراهی را با این کشور داشتند و از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی حمایت‌های بی‌دریغی را از بن‌علی و رژیمش به‌عمل می‌آوردند.

هرچند سیاست‌های اقتصادی بن‌علی در دهه اول حکومتش این کشور را از نظر توسعه در آفریقا در جایگاه خوبی قرار داد، اما سیاست‌های داخلی وی که از سال ۲۰۰۲ و با دستکاری در قانون اساسی برای تداوم ریاست‌جمهوری او صورت گرفت، موجی از مخالفت را در این کشور باعث شد. در این مسیر بن‌علی سیاست حکومت پلیسی را در پیش گرفت و به‌شدت احزاب مخالف به‌خصوص احزاب اسلام‌گرا را تحت فشار قرار داد.

سیاست سرکوب احزاب و همچنین پلیسی کردن کشور، بازگذاشتن دست افراد نزدیک به خود در فساد گسترده اقتصادی و استفاده از رانت‌های ویژه، سیاست نزدیکی به جهان غرب و گسترش تفکرات و رفتاری غربی در کشور و بالاخره نزدیکی به رژیم اسرائیل و دور کردن مردم تونس از جهان اسلام همه دست به‌دست هم دادند تا تنها به بهانه‌ای، اعتراضات داخلی شروع و در کمتر از چهار هفته طومار حکومت را در هم بیچند.

سقوط رژیم حاکم بر تونس و فرار رئیس‌جمهور آن به‌خوبی می‌تواند تأثیر دامنه‌داری بر کشورهای عربی داشته باشد. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که «دومینو» به‌عنوان یک قانون در جهان عرب فعال شود. زیرا با توجه به شباهت بسیار زیادی که میان حکومت‌های عربی در کشورهای هم‌چون مصر، لیبی، اردن، سوریه، سودان، مراکش، عربستان، کویت، مجمع‌الجزایر بحرین، یمن، امارات متحده عربی و حتی الجزایر وجود دارد، هرگونه تحرک مردمی می‌تواند باعث سرنگونی حکومت‌های حاکم در این کشورها و تسری این جریان به دیگر کشورهای عرب گردد. نارضایتی شدید سیاسی موجود در این کشورها که برآمده از تداوم حکومت‌های فاسد و وابسته به غرب که دارای رژیم‌های پلیسی و استبدادی بدون مشارکت سیاسی مردم است، به همراه فساد گسترده اقتصادی که ارتشا را در این کشورها به میزان زیادی بالا برده، شرط لازم هرگونه شورش احتمالی مردمی علیه این حکومت‌هاست.

از میان کشورهای عربی برشمرده شده در بالا، کشورهای مصر، عربستان، یمن، مجمع‌الجزایر بحرین و اردن بیشترین احتمال را در هرگونه انقلاب مردمی علیه نظام‌های حاکم، دارا هستند. دومینوی شروع شده از تونس می‌تواند نظام‌های شکننده این کشورها را سرنگون کرده و با توجه به ظرفیت‌های موجود می‌توان امیدوار بود که در روندی دمکراتیک، اسلام‌گراها و نیروهای مخالف غرب در این کشورها قدرت را به‌دست بگیرند.

اگرچه عناصر وابسته به دولت بن‌علی با کمک سیستم‌های اطلاعاتی غربی - درست مانند آنچه علیه جبهه نجات اسلامی الجزایر در انتخابات سال ۱۹۹۱ این کشور به عمل آمد - تلاش کرده‌اند که با تشکیل دولت ائتلافی با حضور برخی از اعضای دولت سابق تونس، این حرکت انقلابی مردم را از دست آنها بریبایند، اما به هر حال این حرکت می‌تواند نقطه شروعی باشد که در انتخابات سراسری آینده این کشور، نیروهای اسلام‌گرا بتوانند بیشترین آرا را به‌دست آورند.

در عین حال با توجه به اینکه هریک از کشورهای عربی شرایط خاص خود را دارند، ممکن است تحولات صورت گرفته در این کشورها لزوماً مشابه نباشد و ضرورتاً به‌صورت یک انقلاب اجتماعی - سیاسی بزرگ که به سرنگونی حکومت‌ها منجر شود، صورت نگیرد، این مسئله در هریک از کشورها به یک صورت خاص متبلور شود و به نوعی نوسان داشته باشد. بدین ترتیب علیرغم تفاوت در صورت و ظاهر، جنس تمامی این تحولات یکسان خواهد بود. بنابراین، این دومینو می‌تواند به شکل‌های متفاوت اتفاق بیافتد که مدیریت آن نیز با توجه به ظرفیت‌های این کشورها می‌تواند شدت و ضعف داشته باشد.

تحولات صورت گرفته در تونس که با سرعت غیرقابل پیش‌بینی صورت گرفت، نه تنها رهبران معارض و نخبگان سیاسی و اجتماعی این کشور را به‌تازده کرد، بلکه باعث تحیر کشورهای غربی و عربی متحد زین‌العابدین بن‌علی نیز شد. تجربه به‌وجود آمده از تحولات تونس می‌تواند نه به‌صورت فوری، بلکه به‌صورت میان‌مدت و بلندمدت در این کشورها روی دهد، اما آنچه مهم است وجود انگیزه کافی برای تغییر در این کشورها با پشتوانه قوی مردمی است.

موضوع مهم دیگری که در مورد تونس و فرار رئیس‌جمهور مخلوع این کشور مهم به‌نظر می‌رسد، پناهنده شدن وی به عربستان سعودی و عدم پذیرش وی توسط کشورهای اروپایی و به‌خصوص فرانسه است. این موضوع محل تأمل دارد، این مهم که رهبران عرب در صورت خلع از قدرت حتی توان پناهنده شدن به کشورهای اروپایی و متحدان سابق غربی خود را هم ندارند و مجبور به پناه بردن به دوستان نزدیک خود در کشورهای عربی هستند، نشان‌دهنده جایگاه آنهاست.

موضوع تونس و درخواست دولت آینده این کشور از عربستان برای تحویل زین‌العابدین بن‌علی برای محاکمه وی و همچنین ورود کشورهای عربی به موضوعات داخلی خود می‌تواند پیامدهای مهمی داشته باشد. عربستان سعودی هرچند تلاش دارد که خود را به‌عنوان رهبر جهان اسلام معرفی کند، اما با پناه دادن به زین‌العابدین بن‌علی نشان داد که رژیم حاکم در این کشور، بیشتر بجای آنکه رهبری در قامت جهان اسلام باشد، از ظرفیت‌های ابتدایی رهبری در جهان عرب هم تهی شده است؛ زیرا بجای جذب قلب و فکر ملت‌های عرب به پناهگاهی برای سران مستبد کشورهای عرب مانند بن‌علی تبدیل شده است - همان‌گونه که این کشور پناهگاه عیدی امین و دیکتاتور سابق اوگاندا و دیگر رهبران فراروی عرب شد - و این موضوع خود نشان‌دهنده ماهیت وجودی حکومت سعودی است.

درنهایت با توجه به تحولات به‌وجود آمده در تونس و ابراز وجود نیروهای اسلام‌گرا در این کشور - ازجمله پخش اذان از رادیو و تلویزیون دولتی این کشور پس از پنج دهه و همچنین برپا داشتن نماز جماعت - اینک به‌نظر می‌رسد که پاسخ به این سؤال راهبردی سخت نباشد که گرایش‌ها و تحولات ملت‌های جهان عرب به‌نفع جریان مقاومت است یا جریان سازش‌کار. ترس و واهمه رژیم صهیونیستی و استقبال دبیر کل حزب‌الله لبنان از این تحرک بیانگر آن است که دولت‌های سازش‌کار عرب تا چه حد فاقد عقبه مردمی هستند و منحنی قدرت جریان مقاومت همواره رو به صعود است.